

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۸ جنوری ۲۰۱۳

در حاشیه، عالمان دین؟؟

۹



هشدار کزین بیش کمر تا نکنی

زخمی به دوی دین مداوا نکنی

حیثیت رفته تو احیاء نشود

افساری اگر بر سر ملا نکنی

پیروی از باور های اجدادی و عمل کرد های خرافی مقدس نیالگان ما را چنان مصروف ساخته که قدرت جهت یابی مثبت و تصمیم گیری عاقلانه را از ما سلب نموده است

حجاب و پوشیدن بدن زنها به شکل اسلامی آن یکی از ارکان مهم پیروی ازین دین می باشد که توسط خوش خدمتان اسلامی تبلیغ می شود

آن ها حجاب را عفت، اخلاق و پاکدامنی محسوب می دارند

اولین فرمان خداوندی طی آیت ۵۹ سوره احزاب در مورد حجاب زنهای محمد نازل شد و دلایلی که در متن این آیت نهفته است و تفسیرات و کم و زیاد ساختن تشریحات عالمان دین پیرامون نزول این آیت و پیروی از آن چنین می باشد که اگر بدن زن پوشانده شود و تحریک جنسی برای مرد تولید نکند مشکل حل شده و می شود.

به ادامه چرندیات این عالمان دین تا آنجا که مدارک اسلامی وجود دارد و وقت بررسی آن ها و حوصله این جانب ایجاب می کند پرداخته خواهد شد تا دیده شود که این رقاصان اسلامی با چه مزخرفاتی از یک موضوع، چند موضوع خلق و مغز های مردم را تسخیر داشته اند:

القرطبی می گوید : از آنجائی که زنان تازی به حکم عادت بدون پوشش بودند و همانند کنیزان چهره خود را نمی

پوشاندند و مردان به آن‌ها نگاه می‌کردند باعث میشد که مردان را تحریک شهوی نموده و حادثاتی را بار بیاورد. برای همین بود که خدا برای پیامبرش فرمان داد که به آن‌ها (یعنی زنان محمد) دستور دهد برای بیرون رفتن از خانه و انجام دادن کار های شان (قضای حاجت) حجاب بپوشند و آن‌ها با پوشیدن حجاب جلوه خاصی پیدا می‌کردند و از کنیزان تشخیص داده می‌شدند. یکی از زنان پیش از صدور این آیت برای انجام کاری از خانه بیرون رفته بود برخی از مردان بد کار به گمان این که او کنیز می‌باشد جلو او را گرفته و خواسته بودند به او تجاوز کنند و پس از آن زن فریاد زد و این ماجرا را به پیامبر گزارش داد. آنگاه این آیت نازل شد و این نشاندهنده این موضوع است که عکس‌العمل مرد در مقابل چنین قضایا اگر برای همسر رسمی‌اش و یا کنیز اتفاق افتد، فرق کلی دارد. زن ملکیت خاندانی مرد مشخص است اما کنیز جز دارائی‌ها و برده شخص شمرده می‌شود.

این کثیر می‌گوید: بد کاران و اراذل مدینه شبها بیرون می‌آمدند..... پس اگر زنی را می‌دیدند که پوشش داشت می‌گفتند که این آزاد است پس با او کاری نداشتند و اگر زنی را بدون پوشش می‌دیدند می‌گفتند که او کنیز می‌باشد و به او حمله می‌کردند.

هرچه در میان کتابهای تاریخی اسلامی بیشتر می‌گردیم شگفتی ما از جامعه تازی آن دوران بیشتر می‌شود چنان که ابن سعد آورده: زنان پیامبر برای انجام کارهای خویش شبها از خانه بیرون می‌رفتند و منافقین سر راه آنان قرار می‌گرفتند و آنان را آزار می‌دادند پس شکایت کرده و منافقین را خواستند آنها پاسخ دادند که ما فقط این کار را با کنیزان انجام می‌دادیم!! پس آیت حجاب نازل شد

الطبری نیز این را تأیید می‌کند و می‌گوید: ای پیامبر به همسران خود و زنان مؤمنین بگو که همانند کنیزان لباس نپوشند، و هنگامی که برای انجام کارها از خانه بیرون می‌روند موها و چهره خود را نمایان نکنند، و پوششی بر خود داشته باشند که هر پستی جلوی آنها را نگیرد.

و بدین گونه..... اگر آزاده ای بیرون می‌رفت گمان می‌بردند که کنیز می‌باشد و مورد آزار قرار می‌گرفت... خدا دستور داد که در پوشش با کنیزان متفاوت باشند و خود را بپوشانند و نیز طبری با گفته ای از «مجاهد» می‌افزاید: بپوشانند خود را تا همه بدانند که آزاده اند و مورد آزاری چه از راه گفتار و چه نگاه هر فرومایه ای قرار نگیرند.

در اینجا شکل دوم ضرورت حجاب را می‌بینیم (شکل اولی آن ضرورت‌های شخصی محمد به ارتباط قضای حاجت خانم‌های شان بود که در بخش قبلی از آن صحبت داشتیم) که دلایلی از موجودیت حجاب یک حکم طبقاتی است که نشان دهنده و یا تمیز شونده بین زن آزاد و زن کنیز می‌باشد؟؟

در این حکم واضحاً می‌توان عدالت اسلام را در رابطه به حقوق زن مشاهده نمود!! زن آزاد و زن کنیز!! هر دو زن هستند اما اسلام عزیز آیت صادر می‌کند که زنان آزاد حجاب پوشند تا مورد اذیت قرار نگیرند و از زنان کنیز فرق شوند!!! و در باره زن کنیز هیچ حقی منحصراً یک زن گفته نشده بلکه از صورت گرفتن تجاوز بر او هم مانعی ایجاد نگردیده است. آیا تعجب‌آور و شرم نیست که این همه دست بوسان شیوخ عرب و مداح های اسلامی از حقوق زن صحبت می‌دارند؟؟ شاید هم منظور شان فقط دفاع از حقوق زنهای محمد، سلاطین اسلامی، زور مندان و چپاولگران دینی باشد و ما نمی‌دانم؟؟؟

همچنین تمامی صحابه و یاران محمد همین برداشت را از حجاب داشته اند چنان که «عمر بن الخطاب» در مدینه می‌گشت پس اگر کنیزی را می‌یافت که دارای حجاب می‌باشد او را با چوب معروفش می‌زد تا این که حجاب را از سرش بیندازد و می‌گفت: برای چه کنیزان همانند آزادگان می‌گردند؟

بلی! کنیز برده است و اسیر و محکوم و مربوط به طبقه محروم خود می‌باشد و نباید از امتیازات اشراف بهره مند

باشد هر طبقه ای باید اوصاف و امتیازات خود را داشته باشند یعنی زن آزاد مربوط اشراف و زن کنیز در جمله طبقه محرومان!! اما هر دو زن می باشند

يك دید مشترک بین همه مفسرین قرآن و عالمان دین این است که آیت حجاب فقط برای نشان دادن زن آزاده و فرق آن از کنیز نازل شده بود.

این واضح و روشن است که خدا و پیامبر عقل کل و دانا بر همه چیز بوده اند ولی به ارتباط این موضوع تنها راهی که به عقلشان رسیده همین بوده است

در کتابهای زیادی نیز همین داستان را می یابیم که : زنان پیامبر(ص) برای انجام کارهایشان شبها از خانه بیرون می رفتند پس مردمانی از منافقین جلوی آنان را می گرفتند و آنان را آزار می دادند و هنگامی که از ایشان پرسش می شد پاسخ می دادند ولی ما این کار را با کنیزان انجام می دهیم پس این آیت نازل شد که یا ایها.... پس دستور داد که بدان عمل شود تا از کنیزان شناخته شوند، و ابن جریر از ابی صالح آورده که : پیامبر(ص) به مدینه آمد و منزلی در آنجا نداشت پس زنان پیامبر(ص) و دیگران شبها برای انجام کارهایشان بیرون از خانه می رفتند مردانی در سر راه نشسته بودند برای سخن پرانی به زنان . پس خدا آیتی نازل کرد که یا ایها النبی.... تا با پوشش زن آزاد از کنیز شناخته شود. و ابن سعد از محمد بن کعب القرظی آورده: مردی از منافقین جلوی زنان مؤمنین را می گرفته و آنان را آزار می داده و اگر به او هشدار می دادند می گفت گمان کردم که کنیز است پس خداوند به آنان دستور داده که در پوشش با کنیزان متفاوت باشند و پوششی بر خود بیندازند که چهره را بپوشاند مگر يك چشم تا شناخته شوند.

آنچه در آن آیت در ارتباط حجاب نیز جالب است پوشش گزیده شده برای زنان است چنان که اگر مسلمانی بخواهد به فرمان خدا گوش فرا دهد نباید به جز آن چیز دیگری برگزیند. در کتاب الدر المنثور چنین ادامه می دهد: عبد بن حمید و ابن جریر از قتاده در گفته این آیت که ای پیامبر... گفته است: خدا به آنها فرمان داد که اگر بیرون رفتند با پوشش باشند تا به کمترین شکل شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند چون از کنیز استفاده جنسی می نمودند پس خداوند لازم ندید از این که آزاده همانند کنیز باشد(این است همان عدالت خداوندی که ملاک های ما از آن سخن می گویند) و عبد بن حمید از الکلبی درباره آیت ادامه داده: زنان برای انجام کار بیرون می رفتند و اراذل جلوی آنان را می گرفتند و آزار می دادند پس خدا فرمود که خود را با «جلابیه» بپوشانند تا آزاده از کنیز شناخته شود..... و ابن جریر و ابن مردویه از ابن عباس در باره آیت چنین می گوید که : خدا دستور داد که چادر بپوشند و سر آن بر روی پیشانی خود محکم کنند.... پس اگر اراذل زنی را با پوشش می دیدند به او کاری نداشتند ولی اگر بدون پوشش بود می دانستند که **کنیز** است و دور او را می گرفتند....(نمونه ای از حقوق بشر و آزادی زن در اسلام)... و ابی حاتم از سعید بن جبیر آورده که منظور از انداختن «جلابیه» پوشش است بر روی پیشانی و صورت و زنی مسلمان بر او حرام است که غریبه ای او را بدون پوشش بر روی چهره ببیند و آن را بر بالای سر محکم ببندد و بر روی گودی سینه بیندازد، و ابن ابی حاتم از عکرمه درباره آیت آورده که «جلباب» یا پوشش را چنان بیندازند که گودی سینه آشکار نشود، و ابن منذر و ابن ابی حاتم از محمد بن سیرین آورده که از عبیدة السلمانی پرسیدم او پاسخ داد که پوشش همانند چادر و پارچه ای که روی سر و صورت بیندازند و يك چشم خود را از آن بیرون بیاورد. (توجه فرمائید که فقط يك چشم باید باشد و هر دو چشم سر پیچی از امر خدا و محمد است) این موضوع در باره زنان است نه ملا عمر!!

و در تفسیر «الصنعانی» و غیره نیز چنین چیزی می بینیم ولی «الضحاک» و «الکلبی» به اصطلاح خود شان مؤدبانه نوشته اند: این آیت برای زناکارانی آمد که در خیابانهای مدینه در پی زنان می رفتند و اگر در شب آنها را می دیدند برای آنها چشمک می زدند پس اگر زن ساکت می ماند در پی او می رفتند و اگر فریاد می زد او را رها می کردند و فقط کنیزان را می خواستند ولی نمی توانستند که تشخیص دهند چون به يك پوشش بودند پس این آیت نازل شد (تا

تکلیف مزاحمین در شناخت کمتر باشد؟ و پیامبر فرمود که زنان آزاد در پوشش با کنیزان متفاوت باشند و جلابیهن جمع الجلبات می باشد و آن پارچه ای است که زن را از بالا پوشش می دهد و ابن عباس گفته که از سر و چهره پوشش دهند مگر يك چشم تا دانسته شوند که زن آزاده اند ... و همانا خداوند بخشنده و مهربان است... و همچنین افزوده که «انس» از کنار «عمر بن الخطاب» می گذشته و پوشش روی او بوده پس به وی گفت ای کنیز آیا خود را همانند آزاده ها کردی این پوشش را بپنداز. (تفسیر البغوی ۵۴۴/۳)

این تفسیر از آیت مزبور در کتاب های اهل تسنن و اهل تشیع آمده و تأیید شده است
در دوران جاهلیت {تحریف تاریخ} زنان آزاده و کنیز بدون پوشش بیرون می رفتند پس مردان با نگاه بد به دنبال آنان می رفتند پس به آنها دستور داده شد که با پوشش از آزار آنان دوری کنند... و مردان چشمداشت به کنیزان داشتند و با آنان شوخی می کردند و گاهی این شوخی ها به آزاده هم می رسید، و اگر به آن مردان هشدار داده می شد می گفتند گمان بردیم که کنیز هستند پس خداوند بدین وسیله هیچ بهانه ای برای آنان نگذاشت. (مقتنیات الدرر نوشته طهرانی: ۳۲۵/۸)

- الجلباب عبارت از سر انداز زن می باشد و آن مقنعه ای است که پیشانی و سر او را در بر می گرفته در هنگامی که برای انجام کاری از خانه بیرون می رفته، به عکس کنیز که بدون پوشش سر و پیشانی بیرون می رفته.
الجلابیب: چادرها و پارچه ای که زن روی چهره خود می انداخته تا بدین وسیله از کنیز شناخته شود و از آزار مردان در پناه باشد. (برگزیده های التبیان نوشته حلی: ۲۰۳/۲)

حال می بینیم که تفسیر های گوناگون از یک آیت در مورد حجاب توسط عالمان دین اسلام گوینده آن است که حجاب فقط برای شناخته شدن و فرق نمودن زن آزاد و زن کنیز می باشد نه آنچه این سُرنا زنهای شیوخ عرب، کوش همه را کر ساخته اند که اخلاق، عفت و... و همچنان هر کدام این ها به سلیقه خود طول و عرض حجاب و شرایط مخصوص به آن را هم تر تیب داده اند

موضوعی که به ارتباط این حجاب اسلامی زجر دهنده است این است که حجاب برای زن آزاد غرض حفظ عفت او می باشد و به این معنی است که کنیز عفت و عزت ندارد. چون کنیز است باید و حتماً مورد تجاوز قرار گیرد؟؟ کنیز یک زن است اما از دید اسلام و چک چکی های آن عفت و عزتی ندارد. حق کنیز در اسلام همان است که کنیز است و باید کنیز باشد !!!؟؟ عجب دین عادل و انسانی !!!؟ اسلام کنیز را انسان نمی داند تا با آیت و یا حدیثی از عفت، اخلاق و شرافت او به دفاع بر خیزد-

درین دین که همیشه پیروان آن از عدالت، پاکی، شرف، اخلاق صحبت می دارند کنیز جایگاه انسانی ندارد؟ چرا کنیز باید سر و موهای خود را نمایان سازد؟ چون عفت، اخلاق شرف و عورت کنیز با زن های دیگر فرق دارد !!!؟؟
اگر اسلام واقعاً در پی پاک نگاه داشتن جامعه از فحشاء و بد اخلاقی و بالا بردن جایگاه زن از پستی ها و بدکاریها می باشد چرا تفاوتی میان این دو گذاشته؟ آیا هر دو زن نیستند و باعث گمراه کردن مردان نخواهند شد؟

آیا هر دو نمی توانند غریزه جنسی مرد را به هیجان در آورند؟ اگر آزاده پوشیده باشد و کنیز در برابر مردان برهنه باشد؟ آیا در آن هنگام مردان برانگیخته نخواهند شد؟ بر اساس دستورات قرآنی تنها آزاده می تواند مصونیت و پاکی داشته باشد و کنیز را هر شخصی می تواند به او تجاوز کند و مورد آزار جنسی قرار دهد!!!!!! آیا این برابری است؟ آیا این فلسفه حجاب است؟

کنیز در اسلام يك موجود کاملاً انسانی نمی باشد وی همانند آنچه که «هشام بن عبدالملك» می گوید آتش شهوت است !!!؟ جایگاه کنیز در جامعه اسلامی از آزاده کمتر بوده و او خرید و فروش می شود، شاید امروز نزد کسی باشد و فردا نزد دیگری، از همانند شدن او به آزاده جلوگیری شده و آزاده از او تفکیک شده است. گرچه در جامعه امروزی کنیزی را

با آن صفات ترسیمی اسلام نمی‌بینیم اما زنان آزاده ما در اسارت پنجه های فقر و ظلم و بیداد مقام بالاتری ندارند. آیا در جامعه ای که حجاب اجباری و حتمی می باشد جلو بد اخلاقی و یا بی حرمتی نسبت به زنان گرفته شده است؟ آیا زن با زندگی کردن در کشورهای پیشرفته از جایگاه و پاکدامنی او کاسته شده است؟؟!!
این همه را باید عالمان دین و نوکر های شیوخ عربی جواب دهند!!
ادامه دارد